

دوهم نیدگی

آموزش و توانبخشی

دیدگاه دوم، توانبخشی مبتنی بر جامعه، که متکی بر اصول زیر است:

الف - استفاده از تجهیزات ساده قابل ساخت و موجود در جامعه.
ب - مشارکت اعضای خانواده و جامعه از طریق آموزش مهارت‌های ساده.

ج - ارائه خدمات در محیط طبیعی زندگی.^۱

دیدگاه اول که بیشتر به دیدگاه پزشکی معروف است، ارزیابی خدمات منوط به تهیه و تدارک تجهیزات، نیروی انسانی متخصص و فضای خاص است که مستلزم صرف هزینه‌های سنگین بوده و امروزه حتی کشورهای ثروتمند و پیشرفته نیز قادر به تأمین این گونه خدمات برای تمامی افراد معلول جامعه خود نیستند.

در صورت تحقق این امکانات فرد نیازمند اقدامات توانبخشی، می‌بایست ساعاتی از محیط زندگی، کار و یا آموزش منفک شده و به این مراکز مراجعه نماید.

در دیدگاه دوم محیط ارزیابی خدمات توانبخشی بستر طبیعی زندگی فرد است.

در این دیدگاه خدمات عام و گسترده (علیرغم کم هزینه بودن) به تمامی معلولین ارزیابی

کودکان و دانش آموزان استثنایی به دلیل محدودیتهای حسی، جسمی و یا ذهنی در کنار فراگیری مفاهیم و مطالب درسی (برنامه‌های روزانه آموزش) نیازمند برخورداری از اقدامات و خدمات توانبخشی هستند تا بتوانند به سطح قابل قبولی از توانایی دست یابند.

منظور از توانبخشی عبارت است از فرآیندی متشکل از اقدامات هدفمند در جهت قادر سازی شخص معلول به منظور دست‌یابی به سطح نهایی توانایی و عملکرد جسمی، حسی، ذهنی، روانی و اجتماعی و...

به عبارت دیگر برخورداری از خدمات توانبخشی زمینه لازم را برای بهره‌گیری فرد از حداکثر توانایی خویش برای زندگی و فعالیت در جامعه فراهم می‌سازد.

در زمینه ارزیابی خدمات توانبخشی دو دیدگاه کلی وجود دارد:

دیدگاه اول توانبخشی مبتنی بر مراکز، که به سه اصل متکی است:

الف - ارائه خدمات در مراکز تخصصی.

ب - بکارگیری نیروهای تخصصی.

ج - استفاده از امکانات و تجهیزات تخصصی.

مقاله

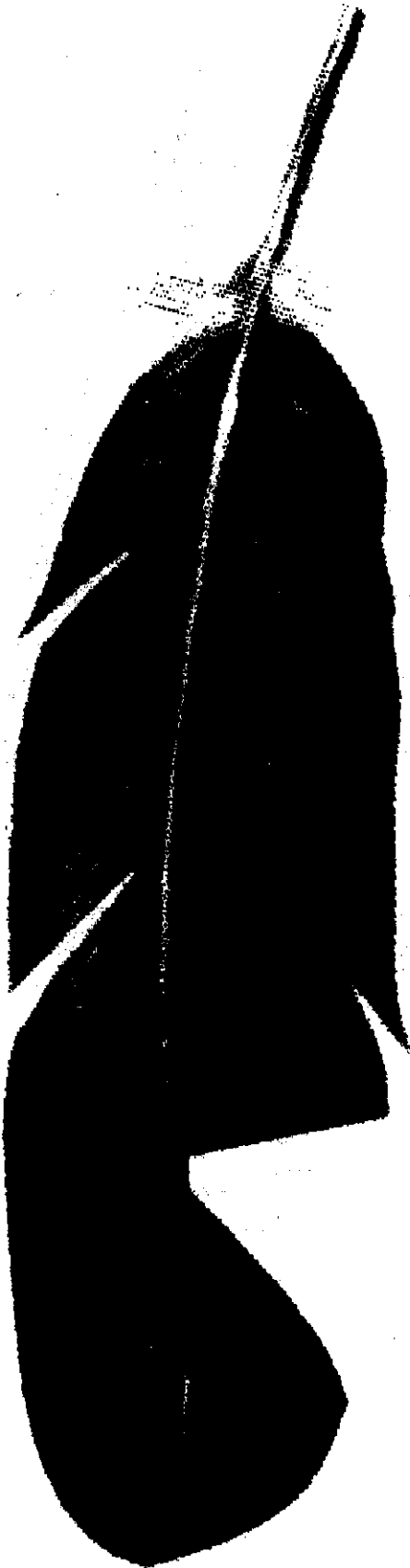
تحقق این رویکرد نیازمند تغییر باورها، رویه‌ها و انجام تمریناتی است که بیش از همه مسوولیت آن متوجه نیروهای توانبخشی است که در شماره‌های آتی نشریه در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت.

می‌شود و چون بخشی از جریان زندگی فرد است، اثرات آن نیز پایدار و موثرتر است. در آموزش معلولین نیز دو رویکرد الف - مبتنی بر جداسازی و ب - مبتنی بر عادی سازی، از سه دهه گذشته موضوع بحث متخصصین و علاقه‌مندان به تعلیم و تربیت است^۱.

با توجه به اقبال روزافزونی که به رویکرد عادی سازی فعالیتهای آموزشی کودکان و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه صورت می‌گیرد، لازم به نظر می‌رسد دیگر اجزا و عناصر نیز همچون توانبخشی، پرورشی، تربیت بدنی و... نیز با این جریان همسو و هماهنگ شوند.

همراه شدن آموزش و توانبخشی این فرصت را برای معلمان فراهم می‌سازد تا هر زمان که نیاز بدانند در کلاس درس و در جریان طبیعی آموزش، خدمات توانبخشی را ارائه نمایند.

بنابراین به جای جداسازی مکرر کودک از کلاس درس (به شرط وجود امکانات و نیروهای متخصص) و مراجعه به فضای خاص جهت دریافت خدمات، کلاس به محیطی تبدیل می‌شود که در بستر طبیعی آموزش، دانش‌آموزان خدمات توانبخشی مورد نیاز را دریافت می‌دارند. در این رویکرد نیروهای متخصص توانبخشی در مدرسه نقش پشتیبان و تسهیل‌گر را ایفا می‌نمایند و جز در موارد خاص بطور مستقیم در فعالیت‌های توانبخشی دخالت نمی‌کنند. البته



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- منابع:
- ۱- میرخانی، سیدمجید (مترجم) مبانی توانبخشی. انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی، ۱۳۷۸
 - ۲- همان منبع
 - ۳- دیهیمی، ایرج (مترجم) امداد معلولین. انتشارات مازیار، ۱۳۸۰.